

Diese Übersetzung wurde uns von Herrn Arasch Bromand geschenkt. Wir danken ihm sehr herzlich für diese Unterstützung.
WGT e.V.

این مطلب فقط برای استفاده داخلی است. با سپاس

روز جهانی دعا

4 مارس 2016

اگر کودکان را پذیرا شوید، انگار که مرا پذیرا شده اید

<p>بانوان کوبایی ما را فراخوانده و به یک کافه کوچک برای خوش آمد گویی دعوت می کنند. در آنجا قهوه، شربت آب لیمو، موسیقی کوبایی، تصویرهایی از زندگی روزمره در کوبا و اطلاعاتی درباره این کشور در انتظار شما است. گل ملی کوبا، یعنی یاس پروانه شکل، که با کاغذ درست شده بین افراد تقسیم می شود. در پایان همه به دعاخوانی دعوت می شوند. همراه با موزیک کوبایی بانوان و دختران عبادت گر از نسل های گوناگون گرد هم می آیند.</p>	
<p>یک نفر</p> <p>ما روز جهانی دعاخوانی را جشن می گیریم. ما این روز را با این عبادت جشن می گیریم که ما را به کوباییان - زن و مرد و کودک و جوان- پیوند می زند. ما این جشن خود را با نام پروردگار که ما را به قلمروی عدالت و صلح خویش فرامی خواند، برگزار می کنیم. به نام عیسی مسیح که با تولد خود به ما زندگی نوینی اهدا می کند و به نام روح مقدس، حکمت مقدس، که رویاها و امیدهای ما را زنده نگاه می دارد. آمین</p>	
<p>یک بانوی سالخورده (انجیل به دست)</p> <p>من یوانا هستم. من کلام پروردگار را برایتان آورده ام. شمار زیادی از خانم های مسیحی هم نسل من به باور خود وفادار مانده و مراسم عبادت برگزار می کنند، حتی اگر به این خاطر مورد تبعیض قرار گیرند. ما کلام خدا را به نوادگان خود منتقل کرده ایم. به وسیله ما آنها متوجه شده اند که پروردگار آنها را دوست دارد و به خدا ایمان آورده اند. ما درب کلیساهای مان را باز نگه داشتیم، حتی آن زمان که عده کمی به آنجا می آمدند. ما «سنگ های زنده» بودیم. ما گواه امیدمان بودیم. به همین دلیل ما بانوانی هستیم با تجربه در مقاومت و رنج. اینک با خوشحالی می بینیم که حقیقت چگونه شکوفا می شود و ملت ما کلام خدا را با آغوش باز می پذیرد. خدای را شکر. (او انجیل را به روی محراب می گذارد)</p>	
<p>یک بانوی بالغ (کلیدی همراه با سبزیجات به دست)</p> <p>نام من یامیلکا است. من زنی با شغل های مختلف ام: من در محل کارم، در جمع کلیسایی و در خانواده کار می کنم. من میوه زمین را با خود به همراه می آورم، زیرا خانم های نسل من با استعداد مبتکرانه می بایست روزانه برای کودکان مان غذا بپزند. یک غذای سنتی کوبایی است به نام آخیاکو که از موادی مانند یوگا، سیب زمینی شیرین، کدو تنبل، ریشه مالانگا، موز سبز و ذرت درست می شود. این غذا خیلی خوشمزه است. هر ماده آن عطر و طعم خود را به غذا می بخشد و همه آنها با هم مزه جدیدی ایجاد می کنند. زندگی نیز همینطور است. ما متفاوتیم: پزشک، کشاورز، موسیقی دان، آرایشگر، معمار، آموزگار، مهندس، کشیش، کاسب و خیلی چیزهای دیگر. اما همه ما را یک کاردانی به هم پیوند می دهد که به کمک آن ما معیشت خانواده مان را تامین می کنیم و در نبرد روزمره برای بقای خانواده مان می کوشیم. و ما همه استعدادها و دانش مان را به جامعه می بخشیم. ما نمک زندگی روزمره ایم. خدای را شکر. (او کلید را روی محراب می گذارد)</p>	
<p>یک زن جوان (شمع به دست)</p> <p>اسم من لیودمیلا است. موقعی که کودک بودم داستان های انجیل را که مادر بزرگم یوانا برایم تعریف می کرد، گوش می دادم. من با او به کلیسا می رفتم؛ به برنامه های مختلف و برنامه های انجیل خوانی در وقت آزاد، که هر تابستان برای کودکان برگزار می شد. طبق این سرمشق او، من امروز در یک گروه کار با جوانان فعالم. من نماینده زنان جوان نسل خودم هستم. ما منتظریم که با توان مان نور به تاریکی های وضعیت اجتماعی مان بیفکنیم. ما از آموزش ابتدایی و عالی رایگان برخوردار شدیم، تا امروز بتوانیم به خانواده و جامعه مان یاری رسانیم. با این حال درآمد من امروز به آن حدی نیست که نیاز خانواده ام را برطرف کند. سالیان طولانی است که از بحران اقتصادی رنج می بریم. درآمد ما کفایت نمی کند و بر اثر مهاجرت ها که مانند زخمی خون چکان می ماند، رمق ما گرفته شده است. بسیاری از دوستان من اکنون در خارج زندگی می کنند. با هر وداع، احساس تهایی و سرخوردگی در من شدیدتر می شود. اما من باور دارم که نسل ما همچون نوری است که می تواند به زنان و مردان جوان کشورمان راهی به سوی آینده نشان دهد؛ آینده ای که آنان هنوز نمی بینند. این حق فرزندان ما است که با شادی در این کشور زیبا که پروردگار به ما بخشیده است، زندگی کنند. خدای را شکر. (او شمع را به روی محراب می گذارد)</p>	
<p>دختر جوان اول (ججغه ای به نام Maracas را در دستش تکان می دهد)</p> <p>من اولیویا هستم. من از منطقه شرق می آیم و شادی و ضربآهنگ با خود می آورم. روزهای یکشنبه با کمال میل به کلیسا می روم و برای دوستانم از پروردگار تعریف می کنم. من با مادرم زندگی می کنم. پدرم پزشک است و در ونزویلا مشغول خدمت است. من خیلی به او افتخار می کنم. ولی جایش</p>	

خیلی خالی است. مادرم با من به کلیسا نمی رود، اما من همیشه برایش چیزهایی را که آنجا می آموزم، تعریف می کنم. (او Maracas را روی محراب می گذارد)	
من آنا پائولا هستم. من از منطقه مرکزی می آیم و یک ساقه نیشکر به عنوان نماد عشق با خودم می آورم. ما بچه ها با هم خیلی بازی می کنیم - در مدرسه و محله. ما می توانیم مدرسه برویم و حس می کنیم که دوست مان دارند، حتی اگر بعضی وقت ها بزرگتر ها گوش نمی کنند که چه می گوئیم. در جایی که هستیم، کودکان برای زنده ماندن مجبور به کار کردن نیستند. (او ساقه نیشکر را روی محراب می گذارد)	دختر جوان دوم (ساقه نیشکر به دست)
من ماریا کارالا هستم. من از منطقه غرب می آیم. در کلیسا احساس خیلی خوبی دارم. می توانم شاد باشم و با کودکان دیگر آواز بخوانم. حالا از شما دعوت می کنم آنطور که در کوبا رسم است، به هم سلام دهید: یا بوسه ای بر گونه و یا در آغوش کشیدن هم یا با دست دادن و گفتن Buenos Días (صبح بخیر)، Buenos trades (عصر بخیر)، Buenos noches (شب بخیر)	دختر سوم
«طلوع خورشید، غروب خورشید»	سرود اول
فراخوان به دعا	
خدای تاریخ، همه نسل ها نام ترا می ستایند	یک نفر
ما حضور ترا با شادی می ستاییم. ما با آوای توکاهای، نخل ها، رودخانه ها و گل آفرینش هم نوا می شویم.	همه با هم
یا عیسی مسیح! تو آموزگار دانایی، منبع ارزش های جاودانی هستی که ما از عشق آن سرشار می شویم.	یک نفر
ما حضور ترا در میان مان با نوای گیتار، چوبه، قاشقک و طبل می ستاییم.	همه با هم
روح مقدس، حکمت مقدس، تو بر خردسالان در رویاها و امیدهای شان ظاهر می شوی.	دختر جوان دومی
ما حضور ترا در بین مان می ستاییم. ما رویای سالخوردهگان، آرزوی جوانان و حکمت کودکان را پیش روی تو می نهیم.	همه با هم
خدای موجودیت ما، تو مانند یک کودک از زندگی لذت برده و آن را با شادی می آرایی. تو هر روز را به معجزه ای و هر لحظه را به مناسبتی برای جشن گرفتن تبدیل می کنی.	یک نفر
ما نام مقدس ترا می ستاییم و قلمروی خدا را به نام عیسی مسیح می خوانیم.	همه با هم
خدای هستی، تو در قالب همه نسل ها ظاهر می شوی. ما کودکان، ترا دربر می گیریم. ما دعا می کنیم، همانطور که تو به بشر بوسیله تولد یک کودک نو یعنی عیسی مسیح زندگی تازه ای بخشیده ای، به این مراسم عبادت نیز سرزندگی ببخشی. عیسی مسیح به ما معجزه عشق را یاد داد و ما او را دعا می کنیم. آمین.	دختر جوان اول
«بپا خیزید! با هم باشید» (vengan, vengan todos)	سرود دوم
اعتراف به گناه و طلب بخشش	
همانطور که یاس پروانه شکل در رودخانه ها می روید و به آب تازه نیاز دارد، تا بتواند زیبایی اش را نشان دهد، ما نیز به عشق پروردگار و جریان حکمت اش نیاز داریم. ما اعتراف می کنیم: در برخی موقعیت ها این دعوت را که عشق الهی را بپذیریم، قبول نکرده ایم. همه با هم طلب بخشایش می کنیم.	یک نفر
روح زندگی، گوش فرا بدار، به ما امید، نیرو و عشق ببخشای.	همه با هم
پروردگارا، ما اعتراف می کنیم: ما اگر به حق کودکان بی توجهی کنیم و به آنان امکان ندهیم که در ساختن کلیسا، خانواده و جامعه مان نقشی نداشته باشند، دست رد به سینه ات زده ایم.	یک نفر
ما را باری ده که از کودکان بیاموزیم، همدیگر را بپذیریم و هیچکس را طرد نکنیم، بلکه در مشترکات مان راه آشتی بجوییم.	یک نفر
ما می پذیریم که همیشه تحت تاثیر کودکان قرار نمی گیریم و تجلیل گر غنای الهی که خود را در تنوع آفرینش نشان می دهد، نیستیم.	یک نفر
روح زندگی، ما را متحول کن. به ما امید، نیرو و عشق ببخشای.	همه با هم
ما را ببخش اگر واقعا فضایی برای گفتگوی نسل ها ایجاد نمی کنیم. بجای آن ما به سوءظن و جدال بر سر قدرت میدان می دهیم که به ما هم بودن ما صدمه می زند.	یک نفر
ما می پذیریم که صدای شکایت مان را به اندازه کافی در برابر بی عدالتی، مانند محاصره اقتصادی، که ملت کوبا بیش از 50 سال است از آن رنج می برد، بلند نمی کنیم. این محاصره به ویژه تغذیه و تندرستی کودکان مان را تهدید می کند.	یک نفر
ما را ببخش که طوری رفتار می کنیم که انگار بد رفتاری روزانه با زنان، بچه ها و سالخوردهگان در خانواده ها، در محیط کار و در جامعه و کلیسا وجود ندارد.	یک نفر
روح زندگی، ما را رهایی ببخش و به ما امید، نیرو و عشق ببخشای.	همه با هم
ما اقرار می کنیم، که مسئول دیوارهایی هستیم که خودمان برپا کرده ایم. چرا که آنها مانع می شوند، به عنوان یک جمع با هم در راه باشیم و گواه زنده ای برای باور و امیدمان باشیم.	یک نفر

روح زندگی، ما را ببخش و به ما امید، نیرو و عشق ببخشی.	همه با هم
به این خبر خوب گوش فرا دهید: پروردگار عشق است و ما را با آغوش باز پذیرا می شود. مانند یک مادر و یک پدر، پروردگار آنچه را که ما با قلب مان وعده داده ایم، می شنود و گناهان ما را توسط عیسی مسیح می بخشد. پروردگار، ما مطمئنیم که می توانیم به راه رسیدن به واقعیت نوینی که تو آن را به ما وعده می دهی، گام بگذاریم. آمین!	دختر جوان دوم
بیایید با هم بخوانیم	سرود سوم
قرائت	
<p>بشوید واقعیت نوینی را که پروردگار به ما وعده داده:</p> <p>1 درخت خاندان داود بریده شده است. اما یک روز کنده آن جوانه خواهد زد! بلی، از ریشه آن «شاخه» ای تازه خواهد روید. 2 روح خداوند بر آن «شاخه» قرار خواهد گرفت، یعنی روح، حکمت و فهم، روح مشورت و قوت و روح شناخت و ترس از خداوند. 3 تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود. او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می شود دآوری نخواهد کرد؛ 4 بلکه از حق فقیران و مظلومان دفاع خواهد کرد و برای فقیران تصمیمی خواهد گرفت که برحق است. او خشونت گران را با عصای واژگانش در هم خواهد کوبید و گناهکاران را با نفعه ای از دهانش خواهد کشت. 5 عدالت کمربندی به دور کمرش است و وفاداری کمربندی به دور پیکرش. 6 و آنگاه گرگ و بره در کنار هم خواهند زیست، پلنگ و بزغاله در کنار هم خواهند خوابید، گوساله با شیر راه خواهد رفت؛ و یک کودک آنها را به هر جا که بخواد خواهد راند. 7 گاو در کنار خرس خواهد چرید، بچه خرس و گوساله در کنار هم خواهند خوابید و شیر مانند گاو علف خواهد خورد. 8 بچه شیرخوار در میان مارها بدون خطر بازی خواهد کرد و طفلی که از شیر گرفته شده باشد دست خود را در لانه افعی خواهد کرد، بی آنکه آسیب ببیند. 9 هیچ بدی و گزند در کوه مقدس خدا وجود نخواهد داشت، زیرا همانگونه که دریا از آب پر است، همچنان جهان از شناخت خداوند پر خواهد شد. 10 در آن روز، آن پادشاه نوظهور خاندان داود پرچم نجاتی برای تمام قوم ها خواهد بود و مردم به سوی او خواهند آمد و سرزمین او از شکوه و جلال پر خواهد شد.</p> <p>(اشعیا 11-1 تا 10)</p>	دختر جوان سوم
Aleluya, aleluya	سرود چهارم
<p>به خبر خوش گوش فرا دهید: پروردگار عشق است و ما را با آغوش باز پذیرا می شود!</p> <p>13 آنگاه کودکان را پیش او آوردند تا او آنان را برکت دهد. ولی شاگردان عیسی ایشان را به عقب راندند و گفتند که مزاحم نشوند. 14 ولی وقتی عیسی رفتار شاگردان را دید، ناراحت شد و به ایشان گفت: «بگذارید بچه ها به نزد من بیایند. ایشان را بیرون نکنید چون ملکوت خداوند به آنانی تعلق دارد که مانند این بچه ها باشند. 15 در حقیقت به شما می گویم هر که نخواهد مانند یک کودک به سوی خدا بیاید، هرگز از برکات ملکوت خداوند برخوردار نخواهد شد.» 16 آنگاه بچه ها را در آغوش گرفت و دست بر سر ایشان گذاشت و آنان را برکت داد.</p> <p>(مرقس 10، 13 تا 16)</p>	دختر جوان سوم این قرائت را می توان با پانتومیم همراهی کرد
<p>عیسی با تصورات کودکان و کودک بودن مخالفت نمی کند، بلکه مساله او رفتار با کودکان است. آنگونه که او کودکان را پذیرا می شود، شاید همراه با مادران و مادر بزرگان شان، پذیرای همه آنانی می شود که او را می جویند.</p> <p>عیسی پذیرنده همه کسانی است که او را می جویند و همه آنانی که او را می جویند، پذیرنده اویند. در این دیدار عیسی می گوید: هر که نخواهد مانند یک کودک به سوی خدا بیاید، هرگز از برکات ملکوت خداوند برخوردار نخواهد شد» (مرقس 10، 15)</p>	یک نفر
<p>زمانی برای فکر کردن و با هم سخن گفتن:</p> <p>بانوان کوبایی همه را به تبادل فکر فرامی خوانند. این پرسش ها پیشنهاداتی هستند که می توان از بین آنها انتخاب کرد:</p> <p>در این داستان های انجیلی افراد مختلفی هستند. در کدام یک از این افراد من خود را بازمی یابم؟</p> <p>منظور عیسی از این جمله چه کسی است؟ «چرا که قلمروی پروردگار متعلق به انسان هایی مانند شما است.»</p> <p>ما چگونه می توانیم از برکت او برخوردار شویم و آن را به دیگران برسانیم؟</p> <p>هر کس که مایل باشد می تواند این تبادل فکر را با یک حرکت خوشامدگویانه مانند در آغوش گرفتن به پایان برساند و یا دیگری را با این جمله عیسی تبرک کند: اگر کودکان را پذیرا شوید، پذیرای من شده اید.</p> <p>در اینجا موسیقی نواخته می شود (یا یک کودک یا گروه هم سرایان جوان سرودی می خوانند)</p>	
دعاگویان عمل کردن - پیشکش ما	
<p>مادر بزرگان مان به ما ارزش فداکاری و عمل کردن در راه خدا را آموختند.</p> <p>زمانی زنان در گلبرگ های یاسمن پروانه شکل، پیام هایی را برای مبارزان راه آزادی بر ضد استعمارگران اسپانیایی پنهان می کردند. امروزه زنان کوبایی با این گل، شهادت تعهد و عطر زیبایی زندگی را با هم پیوند می زنند.</p>	دختر جوان سوم

از ما دعوت شده است که بر روی گلبزرگ هایی که در ابتدای این جلسه دریافت کردیم، بنویسیم چه مسئولیتی می خواهیم بپذیریم.	
زمانی برای اندیشیدن و نوشتن	
روز جهانی دعا یک جنبش بزرگ جهانی زنان مسیحی است. هر سال ما از قدرت زنان شرکت کننده به شمع در می آیم، در نگرانی های شان شریک می شویم و در باورمان دلگرمی می یابیم. چشم انداز ما دنیایی است که در آن زنان حق تعیین سرنوشت خویش را دارند. در این راه ما به نشانه یک همبستگی واقعی و عملی نیاز داریم. پیشکش ما نشانه ای است که ما از پروژه های جهانی که به تقویت زنان و دختران می پردازد، پشتیبانی می کنیم.	یک نفر
Somos todos hermanos (هنگام گردآوری پیشکش ها خوانده می شود)	سرود پنجم
سپاسگزاری و طلب شفاعت	
پروردگار شادی، تو در بازی کودکان حاضر و ناظری. ما از تو پذیرای شادی به عنوان هدیه ای می شویم که بین خود تقسیم می کنیم.	یک نفر
خدایا شکر که تو بعنوان یک کودک به میان ما می آیی.	همه با هم
روح مقدس، نیروی روح مقدس، تو شاد و سرشار در همه چیزهای ساده، در دیدارها و زندگی روزمره حاضر و ناظری.	یک نفر
خدایا شکر به خاطر روح شاد تو که بی انتها است	همه با هم
پروردگارا، ترا شکرگذاریم که نسل های گوناگون در زیر یک سقف زندگی می کنند و ما می توانیم با هم سنت ها، دانش و اجتماع مان را با هم تقسیم کنیم.	یک نفر
ما دعا می کنیم که بوسیله عشق ما را با هم آشتی دهی و اختلافات خانوادگی مان را برطرف کنی.	سرودخوانان 6
آمین	
خدایا شکر بخاطر عشق و مراقبتی که کودکان در کشورمان از آن برخوردارند.	یک نفر
ما دعا می کنیم که به داد همه کودکانی برسی که مورد بی توجهی قرار می گیرند. ما می خواهیم صدای شان را بشنویم و نسبت به هم مهربان تر مراقب تر و صبورانه تر و شادتر باشیم.	سرودخوانان 6
آمین	
خدایا شکر بخاطر کارشناسانی که از کوبا به کشورهای دیگر فرستاده می شوند تا در بخش های آموزشی و بهداشتی کار کنند.	دختر جوان اول (اولیویا)
ما به خاطر خانواده های آنان که از دوری طولانی آنان رنج می برند، دعا می کنیم.	سرودخوانان 6
آمین	
خدایا شکر که جوانان به آموزش دسترسی دارند.	زن جوان (لیودمیلا)
ما دعا می کنیم که آنان را در جستجوی مشارکت اجتماعی، رشد فردی و چشم اندازهای شغلی شان یاری کنی.	سرودخوانان 6
آمین	
خدایا شکر، بخاطر دانایی انسان های سالخورده در خانواده و جمع مان.	یک نفر
ما دعا می کنیم که با آنها با احترام برخورد و از آنان مراقبت شود.	سرودخوانان 6
آمین	
خدایا شکر که روزانه غذای جسمی و روحی مان را تامین می کنی	زن بالغ (یامیلکا)
ما دعا می کنیم که در کنار خانواده هایی باشی که از بحران اقتصادی و مهاجرت رنج می برند.	سرودخوانان 6
آمین	
خدایا شکر بخاطر انسان هایی که به سختی برای رشد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی کوبا کار می کنند.	زن سالخورده (یوانا)
ما دعا می کنیم که دیوارهایی که به وسیله محاصره اقتصادی برپا شده اند تبدیل به درهایی کاملاً باز و خوشامدگو شوند.	سرودخوانان 6
آمین	
مسئولیت پذیری و دعای ربانی	
پروردگارا، ما مطمئنیم و می دانیم که مخلوقات محبوب تو هستیم و در قلبت جای داریم. ازینرو مسئولیت می پذیریم که: مهربان و بخشنده باشیم پذیرای هر انسان به عنوان موجودی بی همتا و ارزشمند در نزد خدا باشیم امیدمان را به آینده ای عادلانه و صلح آمیز حفظ کنیم از کودکان استقبال کرده و همراه آنان رویا در سر داشته باشیم، بخندیم، برقصیم و بدون فرق گذاشتن میان آنان، دوست شان داشته باشیم ما به نام عیسی مسیح به تو در این موردها قول می دهیم. ما آنگونه که او به ما آموخت، دعا می کنیم: ای پدر ما ...	همه با هم

برکت و خلاصی	
یک نفر	به بیرون برویم. قلب های مان سرشار از مهر و امید نسبت به قلمروی الهی است. با انسان های دیگر با عشق و ایمان برخورد کنیم. اگر کودکان را پذیرا شوید، انگار که مرا پذیرا شده اید.
یک نفر	خدایا ما را برکت ده که ما دعاگویان و باورمند در پایداری و وفاداری سرشار از شادی، کودکان را پذیرا شویم. هر روز نو از قدرت و برکت برخوردار شویم و این وظیفه را بپذیریم که غمخوار همدیگر باشیم. ما این معجزه را که همه زندگی سرشار از روح مقدس است می ستائیم. زنانی که ندا برآورده اید نور شما ما را به هم پیوند می دهد و ما را فرامی خواند: از این طریق که ما آغوش خود را بروی زندگی می گشاییم عیسی مسیح را پذیرا می شویم.
همگی	خداوند ما را برکت دهد. آمین
سرود هفتم	روز به سر آمده، شب دوباره بازمی گردد